



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۴ rd.

Year/NO: ۳ Autumn ۲۰۲۱

رویکرد حمایتی کودکان بزهکار و بزه دیده در قوانین کشور

مریم ریگی^۱ علی آل بویه^۲ ابوالفضل احمدزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

چکیده

آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیربنایی و ریشه‌ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگون وجود داشته، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافته است. وانگهی، تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه‌ی انسانی تلقی می‌شود. پیشگیری از جرم مخصوصاً درباره کودکان را فرصت‌محور، آماج‌مدار و بزه‌دیده‌مدار گویند چرا که با دخالت در فرصت‌های پیش از بزهکاری، حمایت از آماج‌ها و بزه‌دیدگان احتمالی از رخ دادن جرم جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد با وجود این که سیاست جنایی ایران به سمت شناسایی تدابیر حمایت‌گرا نسبت به اطفال بزهکار گام برمی‌دارد، با این حال تا مطلوب شدن وضعیت حقوق کیفری کودکان و نوجوانان فاصله وجود دارد. براین اساس پژوهش حاضر به بررسی رویکرد حمایتی کودکان بزهکار و بزه‌دیده در قوانین کشور پرداخته است.

کلیدواژگان: بزهکار، بزه‌دیده، کودکان، بزهکاری، اطفال بزهکار.

Maryam. rigi۲۰۱۵@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

dr.alebouyeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه مبانی فقه و حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران) نویسنده مسؤل.

ahmadzadeh۲۰@gmail.com

۳. دکترای تخصصی رشته مبانی فقه و حقوق اسلامی، واحد زاهدان دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان، ایران.

مقدمه

بزهکاری در لغت به معنای عصیان و گناهکاری آمده است (دهخدا ۱۳۷۷) البته در فرهنگ سخن بار معنایی این لغت افزایش یافته و به آن کس که، عملی خلاف قانون انجام داده است را بزهکار می‌گویند. بزهکاری به معنای ارتکاب عملی غیرقانونی که از نظر دادگاه ثابت و گناهش مسلم است به کار می‌رود. اما بزهکاری از نظر اصطلاحی را نباید مترادف با مجرمیت بدانیم، چرا که جامعه با همه قانون شکنی‌ها، برخورد یکسانی ندارد و برخی از آن‌ها را کمتر از دیگر رفتارها خطرناک می‌پندارد. به همین شکل قوانین جزایی، سوءنیتی را که در رفتارهای مجرمانه بزرگسالان می‌بینند، در کودکان نوجوانان مشاهده نمی‌کنند و این رفتارها را ذیل عنوان خاص بزهکاری از نوع جرم‌های ناشی از غفلت یا قصور در انجام وظیفه بر می‌شمرند. با این حال در مطالعات تجربی جرم و کجروی، را مطلقاً برای اشاره به بزهکاری به کار می‌گیرند (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۴). در مورد بزه دیده تعاریف مختلفی ارائه شده است. بزه دیده‌شناسی را دکتر کی‌نیا چنین تعریف می‌کند: بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش نوین است. در این دانش شخصیت، صفات زیستی، روانی، اخلاقی، خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این حال عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد، فردی هم که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای قرار می‌گیرد ممکن است زن، مرد، پیر یا جوان باشد به عبارتی همان‌گونه که جرایم متنوع هستند بزه‌دیدگان هم متنوع و گوناگون‌اند (مرتضوی، ۱۳۷۶). کودک از دیدگاه علوم مختلف از جمله روانشناسی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق مورد بررسی قرار گرفته است و هر یک از دانشمندان از دید خود کودک و کودکی را تبیین نموده‌اند. به‌طور کلی کودک در لغت عبارتست از هر پسر و دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد. دوران کودکی از دوران بارداری شروع و تا بلوغ ادامه دارد. در اصطلاح حقوقی طفل یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. از دیدگاه فقهی صغیر «کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد». کودک از نظر حقوقی بر دو نوع است: (ایبراهمسن، ۱۳۷۱). از جمله مباحث مهم در زمینه‌ی حقوق کودک، حقوق و تکالیف کیفری اوست که در دو عرصه قابل بررسی است: یکی هنگامی که جرمی بر کودک واقع شود؛ دیگر این که جرم را کودک، مرتکب شود. اصولاً سن کسی که جرم علیه او واقع شده (مجنی‌علیه)، تأثیری در میزان مجازات مجرم ندارد و کیفر جرائم ارتكابی، چه بر ضد کودکان حتی در دوره‌ی جنینی چه بر ضد بزرگسالان، یکسان است حتی در پاره‌ای جرائم، مانند انسان‌ربایی، کودک بودن مجنی‌علیه سبب محکومیت مجرم به اشد مجازات می‌شود (حجتی اشرفی، ۱۳۹۲). غالب حمایت‌های مقنن از کودک بزه‌دیده به صورت حمایت‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی جلوه‌گر شده است. با این وجود مقنن در خصوص مجرمی که کودکی را قربانی جرم خود قرار دهد، رویه‌های متفاوت در نظر گرفته است. گاه کودکی بزه‌دیده را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید مجازات دانسته است، و سرانجام در مواردی به منظور حمایت ویژه از کودکان، ارتکاب اعمالی را که در حق بزرگسالان جرم نیست، در حق کودکان جرم دانسته است.

روش شناختی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش تحقیقی توصیفی تحلیلی با رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای می‌باشد. روش اجرای تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام خواهد شد. برای تعیین ابعاد نظری و مفهومی موضوع و همچنین ادبیات حقوقی موضوع تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای (اسنادی) و با ابزار چک لیست، فیش برداری، منابع اینترنتی و... انجام خواهد شد.

پیشینه تحقیق

هدایت و هاشمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با تفحص در اسناد بین‌المللی به ضرورت حفظ کودک در خانواده پس از تحمل بزه توسط اعضای خانواده می‌پردازند که در این راستا، اهمیت مراقبت‌های خانواده محور با بسط مراقبت‌های خانواده جایگزین و نهایتاً، اسکان در مؤسسات با امید بازگشت کودک به خانواده در پرتو اصل پیوستگی در دستور کار قرار می‌گیرد و در شرایط بحرانی عدم ارضاء نیازهای کودک توسط خانواده جایگزین و عدم امید به بازگشت به خانواده اصلی، به جداسازی کامل کودک از خانواده از طریق سلب حضانت یا سلب حق نگهداری به عنوان آخرین راه چاره پردازد. بررسی اسناد بین‌المللی حاکی از خلأهای فراوانی در قوانین ایران می‌باشد. با قوانین کنونی نمیتوان، اصل عدم جداسازی کودک از خانواده را تضمین نمود. در این راستا، باید به موازات راهبردهای جهانی، سنگ بنای یک سیاست جنایی تقنینی را تشکیل داد.

ساقیان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحولات در مرحله تحقیقات مقدماتی و چگونگی تأثیرپذیری آنها از اسناد بین‌المللی و مطالعات حقوق تطبیقی، مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله به این موضوع اشاره شده است که قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ همگام با سایر تحولات کشورهای دیگر، بدون اینکه مقررات ویژه‌ای در خصوص اطفال بزه‌دیده پیش‌بینی نماید، سعی نموده است حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و مشارکت فعال آنان در فرآیند کیفری را ارتقا بخشد.

صیاد (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای سعی کرده است تمامی موارد بزه‌دیدگی و بزه‌دیده‌شناسی کودکان و نقاط قوت و ضعف قانون بیان کند. همچنین در این پایان‌نامه قوانین داخلی مهم مانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه حمایت از کودکان بررسی شده است و در نهایت برای کمک به این امر و جلوگیری از بزه‌دیدگی کودکان راه‌حلهایی ارائه شده است که با به‌کارگیری آنها می‌توان تا حد زیادی از وقوع این امر پیشگیری کرد. ابراهیمی (۱۳۹۰) در این پایان‌نامه اینگونه نتیجه گرفته است که به رسمیت شناختن حقوقی نظیر حق برخورداری از رفتار شایسته و دلسوزانه، حق مصونیت در برابر تبعیض، حق کسب اطلاع، حق بیان دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها و استماع آنها از سوی مسئولان، حق برخورداری از کمک‌های مؤثر، حق حفظ حریم خصوصی، حق کاهش صعوبت دادرسی، حق برخورداری از امنیت، حق دریافت خسارت و حق برخورداری از تدابیر ویژه در فرآیند دادرسی که در قطعنامه‌ای تحت عنوان «رهنمودهای راجع به اجرای عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم» مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ ذکر شده است، می‌تواند در تضمین حقوق این اطفال مؤثر واقع شود.

طاهری و قبری (۱۳۸۹) در پژوهشی به چگونگی وقوع جرایم علیه اطفال جامعه و به عبارتی عواملی که موجب می‌شود اطفال قربانی جرم و بزه‌دیده پرداخته‌اند. در این تحقیق انواع آزار و جرایم علیه آنها؛ جایگاه کودک آزاری در قوانین جاری و راهکارهای مبارزه با این پدیده نیز مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. آیت‌اللهی (۱۳۸۴) در طرح پژوهشی

به بررسی قوانین مربوط به حقوق کودک پرداخته است. در بخش دوم، در مورد حمایت از کودک بزه دیده و پیشگیری از بزه دیدگی طفل در حقوق ایران و اسناد بین المللی) گذشته، حال، آینده (تحقیق صورت گرفته است. همچنین سیاست‌های افتراقی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کودک بزه دیده و سابقه آن در قوانین قبل از انقلاب مورد توجه قرار گرفته و پیشنهاداتی در این زمینه ارائه شده است. اهمیت دوران کودکی و مفهوم آن، مفهوم و جایگاه بزه دیده، کودک بزه دیده در حقوق داخلی و در اسناد بین المللی از جمله مباحث مطروحه در این بخش می باشد. نتایج تحقیق مذکور عبارت است از: قانون جزای عمومی مصوب ۱۳۰۴ حمایت‌های بیشتری از اطفال نموده و این حمایت‌ها به ویژه در حوزه جرایم به چشم می خورد. به طور کلی قوانین جزایی مصوبه بعد از انقلاب اسلامی، تمهیدی در حمایت ویژه از کودک در حوزه حقوق کیفری در نظر نگرفته است و تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز در سال ۱۳۸۱ به علت ابهامات موجود، کلیگویی و تعارض آن با موادی که به تعریف طفل و سن مسئولیت کیفری اختصاص یافته، نتوانسته است به آن صورت چاره ساز باشد.

بزهکاری اطفال در سیاست جنایی

در قوانین کیفری، به ویژه در قانون مجازات اسلامی (تبصره یک ماده ۴۹)، برخلاف قوانین گذشته، نصاب «بلوغ شرعی» به عنوان حد سن رشد کیفری تعیین شد. در عمل، مراجع کیفری به جای ارائه تعریف «بلوغ شرعی» آن را محمول بر معانی مندرج در حقوق مدنی، منطبق با بلوغ جنسی فرض کرده و بر این اساس، دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال تمام قمری را همانند بزرگسالان مسئول کیفری تلقی کرده و قابل مجازات دانسته اند. این در حالی است که در اکثر کشورهای جهان، اطفال عموماً تا ۱۸ سالگی فاقد مسئولیت کیفری بوده، در صورت ارتکاب جرم، مشمول اقدامات تربیتی، آموزشی و سایر تدابیر جایگزین با تمرکز بر بازپذیری اجتماعی قرار می گیرند. مقررات بین المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، مقررات پکن و غیره، اعمال مجازات‌هایی مانند اعدام یا حبس ابد را به لحاظ تعارض آشکار با مقررات مندرج در اسناد حقوق بشر و آثار منفی آن بر محکوم علیه نسبت به اطفال زیر ۱۸ سال ممنوع اعلام کرده اند. همچنین در این مقررات با تعیین یک حداقل سنی مشخص، مقرر شده که کودکان کمتر از سن مزبور نزد مراجع قضایی حضور نیافته، موضوع هیچ گونه تدبیر کیفری قرار نگیرند. موضوع حقوق کیفری اطفال بزهکار در ایران از دو دهه گذشته، یکی از مسائل مهم و در عین حال مورد اختلاف در نظام کیفری ما تلقی و از دغدغه‌های حساسیت برانگیز علاقه‌مندان به سرنوشت کودکان، بالاخص اطفال مرتکب جرم محسوب می شود. این امر به ویژه از آن نظر مهم و موجب دل مشغولی است که ضوابط موضوعه فعلی در باب حقوق کیفری اطفال، نه تنها در تعارض با معیارها و مفاد اسناد بین المللی و در تناقض با قوانین و رویه گذشته، بلکه ناهمگن با اصول علمی، حقوقی و در مواردی فقهی معتبر می باشد. (حسینی نیک ۱۳۵۹؛ ۶۸). متأسفانه تغییر و اصلاح قوانین کیفری، به ویژه در خصوص اطفال، بی توجه به شرایط سنی و اوضاع و احوال اجتماعی و روند رشد جسمی و روانی آنان و در حقیقت برخلاف روند تحولات جهانی و نیازهای روز انجام پذیرفته است. اگرچه افزایش غیرقابل کنترل ناهنجاری و انحرافات رفتاری نزد نوجوانان و جوانان و نتیجتاً رشد صعودی جمعیت کیفری جامعه در سال های اخیر، موجب عدول مسئولان از استانداردهای کلیشه‌ای و توجه به معیارها و اصول نوین کیفری شده، اما محورهای اصلی حقوق کیفری اطفال همانند سن رشد جزایی (سن مسئولیت کامل کیفری)، حداقل سن عدم مسئولیت کیفری و واکنش کیفری نسبت به اطفال بزهکار کماکان در تطبیق با نیازهای جامعه و مقررات بین المللی مورد پذیرش

کشور ما، از نارسایی‌ها، کمبودها و مشکلات زیاد حکایت دارد. توضیح آنکه از آنجا که براساس منابع فقهی، نصاب سنی برای مسئول تلقی کردن یک فرد، رسیدن به سن بلوغ شرعی است، لذا ارتکاب بزه قبل از وصول به این مرحله، هیچ‌گونه مسئولیت کیفری را متوجه فاعل نمی‌کند. منتها بعد از رسیدن به این سن، مرتکب در معرض مجازات و واکنش کیفری همسان با بزهکاران بزرگسال قرار می‌گیرد. (پروینی ۱۳۸۶، ص. ۱۲).

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۷۰ ه. ش) اطفال را در صورت ارتکاب جرم از مسئولیت کیفری مبرا می‌داند. طبق تبصره یک ماده مرقوم: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» بنابراین «حد بلوغ شرعی» مبنای ارزیابی مسئولیت کیفری افراد تلقی می‌شود. مبحث «بلوغ شرعی» بر عکس «بلوغ» از نظر فقها و حقوقدانان دارای اوصاف مشخص و متفق علیه نیست. بسیاری از فقها با خلط «بلوغ» و بلوغ شرعی حالتی را مدنظر دارند که افراد پس از رسیدن به آن بتوانند تناسل و تولد کنند. وصول به این مرحله دارای آثار سه‌گانه و عارضه خارجی و جسمی است؛ ۱- رسیدن به سن ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران. ۲- روییدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی ۳- خروج منی (احتلام) در پسران و حیض در دختران. در واقع به نظر می‌رسد، ظهور یکی از این نشانه‌ها برای احراز بلوغ شرعی کفایت کند. به اعتقاد برخی فقهای عصر حاضر، بلوغ شرعی یعنی رسیدن به حد تکلیف و سن تکلیف برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری است. براساس این دیدگاه، سن مزبور معیار تعیین مسئولیت کیفری بوده، اصولاً حدود الهی و حق الناس باید به نحو کامل اجرا شود. گروهی نیز سن بلوغ شرعی را در دختران ۱۳ سال و در پسران حتی پیش از ۱۵ سال نیز قابل اثبات دانسته‌اند. ایشان معتقدند که شرط ثبوت کیفرهای حدی، بلوغ است و برای غیر بالغ، حد ثابت نمی‌شود، ولی تعزیر ثابت است. مضافاً اینکه دختر ۱۳ ساله بالغ تلقی می‌شود و پسر هم ممکن است پیش از اكمال پانزده سال قمری بالغ شرعی محسوب آید و در صورت احراز بلوغ شرعی، آنان حکم سایر بالغین را دارند. عده‌ای نیز در توجیه فلسفه تفریق سن بلوغ دختران از پسران، ضمن استناد به پاره‌ای روایات فقهی، آن را ناشی از ویژگی‌های خاص فیزیولوژیک زن و مرد دانسته و النهایه، همگان را تسلیم حکمت حق تعالی می‌پندارند. نتیجه آنکه اکثر فقها، مبحث بلوغ شرعی را مترادف با بلوغ جنسی دانسته، دارای اوصاف مشترک فرض می‌کنند. از منظر جرم‌شناسی سن از جمله موضوعاتی است که پیوسته توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرده است و اشخاص زیر ۱۸ سال به طور متفاوت از بزرگسالان مورد بررسی قرار می‌گیرند بنا به عقیده جرم‌شناسان این دوره به دو دوره طفولیت و نوجوانی تقسیم می‌شود (نجفی توانا ۱۳۸۲، ص. ۳۶).

بزهکاری اطفال از دیدگاه جرم‌شناسی

عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی‌توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت. عوامل مختلفی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و... در کنار هم باعث می‌شوند که بزهکاری در نوجوانان و اطفال به منصفه ظهور برسد.

۱- نقش خانواده: محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و هنجارها را می‌آموزد.

علی‌رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل‌اند اما در گام نخست این خانواده‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اطفال دارند. چنانکه با تربیت درست می‌تواند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند. معمولاً والدین اطفال یا نوجوانان بزهکار از نظر

رفتاری یا بسیار خشن و سخت گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی توجه و سهل انگار هستند. غالباً والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند. دانشمندان با پژوهش های اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تأیید کرده اند و اذعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد. از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی، فرزندان خانواده های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده های روشنفکر و سطح بالای جامعه در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند. بنابراین نباید سیاست جنائی خاص بزهکاران صغیر و نوجوان را از سیاست حمایت خانواده جدا دانست. به عبارت دیگر حمایت درست از نهاد مقدس خانواده و نظارت اساسی و کارشناسانه بر آن سبب کاهش جرائم خاص صغار و نوجوانان خواهد شد. به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیازهای اساسی جسمی و روانی مانند نیازهای عاطفی ارضا نشود، به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست می زند. عدم وجود محبت، ارتباطات صمیمی، تفاهم متقابل و در عین حال وجود تشنج در خانواده، از هم گسیختگی خانواده، طلاق، فوت والدین و... از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان و اطفال مؤثر هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۷۵).

همچنین نحوه تنبیه والدین در مقابل سرپیچی های کودک و شلوغ کاری های وی نیز طبق بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین تبصره ۲ ماده ۴۹ باید همراه با دو شرط باشد. اولاً تأدیب اطفال باید در حد متعارف باشد و ثانیاً این تنبیه باید ضرورت داشته باشد. در واقع این دو ماده به نوعی جنبه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. متأسفانه در قوانین موضوعه ما مبنا و معیاری برای ضرورت تنبیه اطفال آورده نشده است و به نظر می رسد که این مسئله توسط عرف جامعه تعیین می شود. بسیاری از فقیهان در مورد حد و میزانی که تنبیه ضرورت پیدا می کند، نظرات گوناگونی داده اند که خود جای بحث دارد و در این مجال نمی گنجد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۷۶).

۲- عوامل اجتماعی: جامعه ای که از یک ثبات و پایداری اجتماعی برخوردار نیست و دائماً دچار هرج و مرج و بی نظمی از قبیل جنگ، شورش، اختلافات طبقاتی، آلودگی هوا، وضع بد سکونت، جمعیت بالا و... باشد، قطعاً شرایط و بستر مساعدی را برای ارتکاب بزه فراهم می کند و بالعکس جامعه ای که از یک ثبات و نظم اجتماعی واقعی برخوردار است، می تواند به مرور زمان ریشه های بزهکاری و عوامل آن را در خود بخشکاند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۷۷).

۳- عوامل اقتصادی: فقر از عوامل اصلی ایجاد بزهکاری است. کمبود امکانات نظیر امکانات بهداشتی، خوراک، پوشاک و مسکن باعث می شود نیازهای اشخاص بر طرف نشده و موجب تحریک و ترغیب آن ها به ارتکاب بزه های مختلفی می شوند. در چنین شرایطی برخی از والدین از کودکان خود برای ارتکاب جرائمی همچون سرقت استفاده می کنند و یا با وادار کردن فرزندانشان به تکدی گری آن ها را وسیله ای برای امرار معاش قرار می دهند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۷۸).

۴- نقش دوستان و همسالان: از دیگر عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال، دوستی با افراد فاسد و بی بند و بار است. نوجوان اغلب رفتار خود را با الگوهای رفتاری دیگر دوستانش همانندسازی می کند و به شدت از آنان تأثیر می پذیرد. نوجوانی که از خانواده طرد می شود برای جبران کمبودهای عاطفی و روانی اش، برای کسب حمایت و تأیید به دوستان هم سن و سال خود روی می آورد. وی به دنبال افرادی می گردد که مانند خودش هستند. از این رو احتمال دارد با تحریک و تشویق دوستان ناباب خود دست به اعمال ضد اجتماعی و خلاف بزند (صلاحی، ۱۳۸۷، ص. ۴۷).

۵- **عوامل روانشناختی:** روانشناسان عوامل گوناگونی را برای بزهکاری اطفال احصا کرده‌اند. بزهکاری با صفات روانشناختی مختلف و متنوعی همراه است که برخی از آن‌ها عبارتند از هوش کمتر از متوسط، خلق و خوی پرخاشگرانه. روانشناسان ثابت کرده‌اند که بزهکاران نسبت به دیگر افراد به مراتب از عزت نفس پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. اگر به گذشته‌ی اطفال و نوجوانان بزهکار توجه داشته باشیم، خواهیم دید که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، به نحوی از انحاء مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در مباحث روانشناختی، این نظریه در بین قشری از روانشناسان وجود دارد که اگر کودکی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته، فردی برون‌گرا باشد، در آینده خود به طرق مختلفی در مقام انتقام برخوهد آمد (نجفی ابرندآبادی ۱۳۸۴، ۱۱۰). همچنین میزان آزار و اذیت و مدت زمان این آزار و اذیت از عوامل مؤثر ارتکاب بزه در اطفال و نوجوانان است که این عوامل تحت عنوان کودک آزاری بحث مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبند که در این مجال نمی‌گنجد و به توضیح مختصر در مورد آن بسنده کردیم. پیشگیری در سه مرحله امکان‌پذیر است، پیشگیری اولیه که شامل سیاست‌ها و طرح‌هایی برای پیشگیری از شرایط جرم از طراحی شده است. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرایم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. این نوع پیشگیری، پیشگیری اجتماعی خوانده می‌شود. در بسیاری از کشورها مادران باردار نیازمند از نخستین ماه‌های بارداری توسط نهاد دولتی تحت مراقبت پزشکی، درمانی و یا مشاوره‌ای قرار می‌گیرند. دولت موظف است با تولد هر کودک جایی مشخص برای نگهداری و مراقبت از طفل، مکانی در مدرسه و آموزش عالی و مکانی برای کارکردن وی در نظر بگیرد. به‌علاوه باید تمام امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی، ورزشی و تفریحی را برای کودکان و پیشگیری اجتماعی ریشه‌های بزهکاری را نشانه می‌گیرد و مانع از شکل‌گیری علل بزهکاری می‌گردد. پیشگیری اجتماعی، شامل اقداماتی است که به کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرآیند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می‌گذارند. این پیشگیری بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف ایده‌آل خود مبتنی بر حذف یا کاهش جرم دست یابد. دومین پیشگیری کمک به کودکانی است که به دلایل خانوادگی، مالی و یا فردی در معرض خطر بزهکاری قرار دارند و به طرق گوناگون باید این کودکان را شناسایی و مورد حمایت قرار داد. از جمله پیشگیری اجتماعی پیشگیری زودرس است که با شناسایی رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی و ناسازگارانه اطفال و اقدام‌های مناسب جلوی عوامل و خطری را که اطفال در معرض آن هستند می‌گیرند. این پیشگیری کارآترین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی است و تنها مشکل این نحوه پیشگیری مشکل برچسب‌زنی است که می‌توان با گروه درمانی و در گروه قرار دادن اطفال و اعمال آن برنامه‌ها بر تمام افراد گروه از آن جلوگیری نمود. (معظمی ۱۳۹۰، ص. ۸۷).

جرایم ارتکابی اطفال

بزهکاری را از لحاظ مطالعات اجتماعی و از نظر عرف و قانون بر حسب نوع کاری که اطفال و نوجوانان بزهکار انجام می‌دهند می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

جرایم بر علیه اشخاص

از جمله جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بزهکاری بر ضد اشخاص می‌توان ایراد ضرب و جرح عمدی و یا غیرعمدی را نام برد، ایراد ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی در بین اطفال و نوجوانان زیاد است که غالباً به خاطر شوخی‌های بی‌ملاحظه، خشونت و بی‌احتیاطی آنان مخصوصاً در قسمت ورزش و انواع بازی‌های مختلف منجر به صدمه بدنی و گاهی نیز منجر به قتل می‌گردد. همچنین به خاطر این که خصلت انتقام‌جویی در بین نوجوانان زیاد بوده و برای عصبانیت حدی قائل نیستند و آینده فکری درستی از این عصبانیت ندارند و بواسطه قدرت جسمی و چالاکتی که دارند اکثر نزاع‌های عادی در بین نوجوانان منجر به ضرب و جرم و گاه قتل‌های ناخواسته می‌شود. بیماری‌های روانی و اختلالات منشی، سرعت زیاد و بی‌مبالاتی و عدم توجه به علائم راهنمایی و رانندگی از عوامل مهم ضرب و مجروح ساختن انسانی می‌باشد که اکثراً توسط رانندگان نوجوانان ارتکاب می‌یابند. مسئله ارتکاب قتل عمد در بین اطفال و جوانان کم بوده ضمناً انگیزه ارتکاب با بزرگسالان متفاوت است. اطفال و جوانان معمولاً در حال خشم و غضب شدید و یا دفاع از جان و ناموس و یا انتقام‌جویی مرتکب قتل می‌شود. (شامبیاتی ۱۳۹۱، ص. ۵۲) ناگفته نماند؛ برخی از نویسندگان حوزه بزهکاری اطفال نوجوانان انحرافات جنسی را از زشت‌ترین اسباب اختلالات نظام اجتماعی و یکی از آسانترین راه‌های شیوع امراض شناخته شده می‌داند و آن را جزء جرائمی که بر علیه اشخاص اتفاق می‌افتد قرار داده است. اما برخی دیگر در تقسیم‌بندی بزهکاری اطفال و نوجوانان انحرافات جنسی را در جرگه جرائمی که بر علیه نظم اجتماعی و ضد عفت عمومی انجام می‌شود قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی بهتر باشد.

جرایم بر علیه اموال

از جمله جرائمی که در کلیه اجتماعات گذشته و حال به طور نسبی وجود دارد جرائم بر علیه اموال است که با توجه به محیط زندگی مردم میزان و نوع آن در هر اجتماعی نسبت به اجتماع دیگر متفاوت می‌باشد بطور کلی شامل دو دسته زیر است.

سرقت

یکی از جرائم مهم که بر علیه اموال انجام می‌گیرد سرقت است که نسبت به سایر جرائم در بین اطفال و نوجوانان بیشتر رخ می‌دهد. سرقت که عبارت از ربودن مال غیر به قصد تملک است به صورت‌های گوناگون انجام می‌گیرد مسئله سرقت بین نوجوانان از اهمیت خاصی برخوردار است جرم‌شناسان و روانشناسان معتقدند که باید در این دوران روش‌های اصلاحی و تربیتی خاص را در مورد مرتکبین به سرقت مورد اجرا درآورد چرا که در صورت عدم توجه به این مسئله با تکرار جرم، این افراد جزء سارقین حرفه‌ای خواهند شد. همچنین اشیاء و اموالی که مورد سرقت اطفال و نوجوانان قرار می‌گیرد با توجه به سن و مقتضیات زمان و مکان، اوضاع اقتصادی و اجتماعی متفاوت است مثلاً در زمان جنگ اطفال و جوانان بیشتر برای رفع گرسنگی و حفظ حیات البسه و موارد خوراکی می‌ربایند و روزهای صلح با توجه به پیشرفت تمدن موقعیت هر منطقه بیشتر اشیایی مانند وسایلی تفننی، تجملی و اسباب‌بازی را مورد دستبرد قرار می‌دهند. (ص. ۱۳۹۰، ص. ۵۵) جیب‌بری اطفال و نوجوانان یکی از مسائل مهم بزهکاری است غالباً پس از تعلیم و آموزش توسط سارقین حرفه‌ای اقدام به این عمل می‌نمایند، کیف‌قاپی یکی از انواع سرقت‌هایی است که توسط نوجوانان انجام می‌شود که در سال‌های اخیر رواج فراوان یافته است که پس از ربودن کیف به سرعت از محل فرار می‌کنند و شاید راحت‌ترین نوع سرقت برای مجرمین همین کیف‌قاپی باشد.

تخریب و ایجاد ورود و زیان

جرائم ارتكابی بزرگسالان بر ضد اموال با جرایمی که اطفال و نوجوان بر ضد اموال انجام می‌دهند بسیار متفاوت است بزرگسالان اصولاً کلاهبرداری، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و... انجام می‌دهند اما جرایمی که اطفال و نوجوانان مرتکب می‌شوند وارد آوردن ضرر و زیان و ایجاد خسارت مالی نام دارد که امروزه یکی از مسائل جوامع به شمار می‌رود و اغلب در اکثر کشورها کودکان با شکستن روشنائی معابر، جاده‌ها و اماکن عمومی، شکستن صندلی پارک‌های عمومی و شیشه درب و پنجره و وارد ساختن خسارت به علائم راهنمایی و رانندگی و خش انداختن به وسایل نقلیه و پاره کردن روکش صندلی‌ها می‌باشد که معمولاً بروز چنین جرایمی کسب لذت و تفریح و خوشگذرانی می‌باشد که اصول و قواعد اخلاقی را زیر پا گذاشته و به طور ناخودآگاه می‌خواهند انتقام خود را از جامعه‌ای که آنان را در قید و بند مقررات قانونی قرار داده بگیرند. ضرر و زیان و ایجاد خسارت مالی یکی از جرایمی است که بیشتر در بین پسران شهرنشین رایج است و دختران شهرنشین و اطفال و نوجوانان روستائین به ندرت مرتکب چنین جرایمی می‌گردند.

جرایم بر ود نظم عمومی جامعه

در هر اجتماعی آداب و رسوم و سنن و اعتقادات اخلاقی و مذهبی، وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاصی با اصول و قواعد معینی وجود دارد که اگر فردی از افراد جامعه، اصول و قواعد مزبور را مراعات ننموده و بخواهد نظم عمومی جامعه را مختل نماید عمل وی جرم محسوب و قابل تعقیب و مجازات می‌باشد از جمله مهمترین جرایمی که باعث مختل نمودن نظم عمومی جامعه می‌شود عبارتند از:

جرایم منكراتی و اعمال منافی عفت

تعریف جرایم فوق که در اثر عدم رعایت شئون اسلامی و اخلاق عمومی حادث می‌شوند به اقتضای زمان و مکان فرق می‌کند و عملی ممکن در مکان و زمان معین جرم و در مکان و زمان دیگر جرم نباشد. فرضاً مسئله «بی‌حجابی» که در سال‌های آغازین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح بوده با گذشت سال‌ها تقریباً منتفی شده و در حال حاضر موضوع «بدحجابی» مطرح است و چه بسا همین فعل در کشورهای اسلامی دیگر جرم نباشد. هر چند که برخی برای توجیه این اعمال نیز دلایلی ذکر نموده‌اند اما دلایل آنها از استحکام چندان بر خوردار نیستند. از این دسته جرایم منحل نظم اجتماعی می‌توان به «موسیقی‌های مبتذل» که ضعف اعصاب، امراض عصبی و ضعف اداره را به دنبال دارند و برگزاری و شرکت در مجالس لهو و لعب که در میان قشر نوجوان و جوان تحت عنوان پارتی‌های شبانه می‌باشد اشاره کرد که در فصل هجدهم ق تعزیرات این جرایم تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی جرم‌انگاری شده‌اند. (شامبیاتی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات هر کسی علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نمایند. علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نمی‌باشند ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد». یا اینکه تبصره ذیل ماده ۶۳۸ ق. م. ا بد حجابی را جرم‌انگاری نموده است.

اعتیاد به مواد مخدر و توزیم آن

این جرم یکی از آفت‌های اجتماعی جامعه بشری می‌باشد که به نحوی از انحا تمامی کشورها با آن درگیر هستند. ماده مخدر را اینگونه تعریف می‌نمایند: ماده‌ای که استفاده مکرر آن ضمن وابستگی و ایجاد ضرر در فرد مصرف‌کننده

اعتیاد را به دنبال دارد و عدم استعمال به موقع آن موجب بروز آثار محرومیت می‌شود. انواع آن عبارت است از تریاک، کوکائین، شیره، حشیش و... همان‌گونه که اشاره رفت اعتیاد یک واقعیت تلخ و انکارناپذیر می‌باشد و نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که هیچ فرد یا خانواده یا قشری از جامعه از خطرات و آسیب‌های احتمالی آن مصون باشد چرا که فروش مواد مخدر از یک طرف برای عرضه‌کنندگان آن دارای سود فراوان می‌باشد و از طرف دیگر آن‌ها می‌کوشند با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و تأثیرپذیری زیاد اطفال و نوجوانان از محیط پیرامونی خود با اغفال و ریختن طرح دوستی؛ آن‌ها را به ورطه اعتیاد کشانده و به عنوان ابزاری برای توزیع و فروش مواد افیونی خود استفاده نمایند و از این طریق به فعالیت‌های نامشروع خود ادامه دهند چرا که مطمئن هستند که اطفال در صورت ارتکاب جرم از مسئولیت کیفری کمتری در مقایسه با بزرگسالان بوده و مجازات کمتری بر آن‌ها تحمیل می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۵، ۸۷). نباید فراموش کرد سن اعتیاد به مواد مخدر در کشور رو به کاهش است. براساس گزارش منتشره از دفتر مشاوره و برنامه‌ریزی امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷ در سطح کشور تعداد ۸۷۴۸۰ نفر دانش‌آموز در مقاطع مختلف تحصیلی در معرض خطر مواد مخدر و قاچاق آن بودند که از این تعداد ۴۷ درصد در مقطع ابتدایی، ۳۲ درصد در مقطع راهنمایی و ۲۱ درصد در مقطع متوسطه مشغول تحصیل بودند. (صلاحی، ۱۳۹۰، ص. ۵۵).

یافته‌های تحقیق

به موجب ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، کودکان بری از ارتکاب جرم هستند و رافع مسئولیت کیفری و تأدیب و تنبیه آن‌ها فقط با نظر مقام قضایی صورت می‌گیرد و صرفاً قانونگذار آن‌ها را مبری از مسئولیت دانسته و قابل مجازات نمی‌داند. در کنوانسیون حقوق کودک نیز هرگونه رفتارهای ظالمانه غیرانسانی و تحقیرآمیز را منع کرده است که در این مورد در نظر گرفتن سن بزهکار ناقض قانون و نوع جرم نیز حائز اهمیت است. ارسال به مراکز تأدیبی فقط به عنوان آخرین راهکار و فقط برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت می‌گیرد و مجازات‌های توأم با حبس فقط در موارد مقتضی اعمال خواهد شد. زمانی که مقام صادر کننده حکم مبادرت به صدور حکم کیفری می‌کند، در صورت امکان نحوه جبران خسارت و اشخاص مسئول جبران را مشخص کند. در این مقطع از اقداماتی که پیش‌بینی آن در صدور حکم می‌تواند جبران خسارت را تسهیل کند، تعیین اشخاص مسئول جبران خسارت و میزان خسارتی است که باید تأدیه شود، البته چنانچه مطابق قانون اولویتی در پرداخت خسارت از سوی مقامات مسئول پرداخت ذکر شده باشد. این الویت هم باید در حکم قید گردد تا بزه دیده در مراجعه به اشخاص مذکور جهت دریافت خسارت با شک و شبهه مواجه نگردد و با اطمینان و قاطعیت عمل کند (مانند ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) خسارت‌زدایی یکی از مصادیق بارز دادرسی ترمیمی است که قانونگذاران را بر این داشته که لایحه رسیدگی به جرایم اطفال آن را مدنظر قرار دهد (آخوندی، ۱۳۸۵) پرداخت خسارت را بر عهده مرتکب جرم می‌داند. در برخی سیاست خسارت‌زدایی اصولاً موارد پرداخت عمومی خسارت از طرف نهادهای غیردولتی مثل بیمه و در برخی موارد نادر پرداخت غرامت دولتی را پذیرفته است. این امر می‌تواند از جلوه‌های برجسته حمایت از بزه‌دیده در زمینه خسارت‌زدایی و مشارکت اطفال با قانون در جبران خسارت نمونه‌ای از تصمیمات صادره یا جلوه‌های نوین پاسخ‌دهی به کودکان معارض با قانون تبیین می‌گردد.

ارائه خدمات عمومی

ارائه خدمات عمومی در اکثر کشورها بدون در نظر گرفتن گروه سنی خاصی از مرتکبین در قوانین موضوعه پیش‌بینی شده است، اما قانونگذار ایران چنین شیوه‌ای را پیش‌بینی نکرده است. با این وجود عده‌ای از قضات دادگاه‌های اطفال در خصوص ارائه خدمات عمومی آرای صادر نموده‌اند. (خواجه نوری، ۱۳۸۸) امروزه شاهد اعمال این خدمات عمومی عام‌المنفعه در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال هستیم مثل نهاد حبس خانگی در تبصره ۳ ماده ۳۱، که از نوآوری‌های این لایحه به شمار می‌رود. حبس خانگی ضمانت اجرایی بینابین است که نظارت و مراقبتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان را با هدف ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید و بازپروری با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه بجای زندان دنبال می‌کند (آشوری، ۱۳۸۲) در این شیوه فرد محکوم مکلف به اقامت در خانه است و از رفت و آمد به خارج از خانه جز در موارد ضروری منع می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸)، این گونه از ضمانت اجراها در قوانین ما پیش‌بینی نشده است، اما قضات با توجه به پذیرش حقوق کودک آن را مورد حکم قرار داده‌اند که البته در بین علمای مذاهب خمس نیز مورد توجه بوده است.

حس پایان هفتگی

شیوه‌ای است از مجازات که به محکوم اجازه می‌دهد روزهای کاری خود را در اختیار حرفه و خانواده‌اش باشد و تعطیلات آخر هفته را در زندان سپری کند. لذا این شیوه منجر به بیکاری و جدایی فرد از زندگی اجتماعی نمی‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸)

آموزش مهارت و به کار گیری مهارت بزهکار

دانستن مهارت و هنر موهبتی است که در تمامی عرصه‌های زندگی برای انسان مفید خواهد بود. چه بسا بزهکارانی که به دلیل عدم داشتن شغل و حرفه و برای گذراندن زندگی به سوی اعمال مجرمانه سوق داده شده‌اند و اگر به این عده حرفه و فنی آموزش داده شود می‌توانند آن را وسیله امرار معاش خود قرار داده و دیگر مرتکب جرم نشوند.

بازپروری

از جمله حقوقی که به موجب قانون و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، کانون اصلاح و تربیت برای کلیه نوجوانان تحت بازداشت در بازداشتگاه‌ها مقرر شده است، بهره‌مندی از فعالیت‌ها و برنامه‌های هدفمند در جهت ارتقای حفظ تندرستی و عزت نفس آنان، پرورش حس مسئولیت و تشویق منش‌ها و مهارت‌ها باید تضمین گردد. این مراکز باید به صورت غیرمتمرکز و داوری باشد که دسترسی و تماس بین نوجوانان و خانواده‌های آنان را تسهیل نماید. دارای فضای مناسب و نیمه‌باز باشد، امکان تحصیل و آموزش حرفه، مشاوره و سرگرمی و تفریح و مراقبت‌های پزشکی وجود داشته باشد. حراست از حقوق کودک در جریان بازپروری امری اساسی است، زیرا موجب تشویق او به رعایت حقوق دیگران می‌شود اسکلتون^۱ (۲۰۰۵). در سال ۱۹۹۰ مقررات سازمان ملل در مورد کودکان محروم از آزادی به تصویب رسید و مقرر نمود که نوجوانان محروم از آزادی به سبب آسیب‌پذیری زیاد، نیازمند توجه و حمایت خاص هستند و حقوق و مصالح آنان باید طی دوران محرومیت از آزادی و پس از آن تضمین گردد.

^۱ Skelton

۴- مجازات های جایگزین حبس در ایران

مجازات جایگزین حبس در بین علمای مذاهب خمس نیز دیده می‌شود از جانب دیگر در ماده ۳۲ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در خصوص نحوه واکنش و تدابیر اتخاذی نسبت به کودکانی که جرم آن‌ها ثابت شده مقرر شده است: درباره اطفال و نوجوانانی که سن آنان بیش از نه سال و تا ۱۵ سال تمام خورشیدی است، در صورت ارتکاب جرم، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

اولاً: تسلیم به والدین یا به اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. در این صورت هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند برحسب مورد از اشخاص مذکور تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را اخذ نماید:

۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی
۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.
۴. جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آن‌ها را برای طفل یا نوجوان مضر تشخیص می‌دهد.

۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین. (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹، ۱۹۷).

ثانیاً: تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند فوق در موارد زیر:

۱. عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها.
۲. عدم امکان الزام والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی به تأدیب، تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.
- ثالثاً:** سرزنش و نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.
- رابعاً:** اخطار، تذکر و تعهد به عدم تکرار جرم.

خامساً: نگهداری در کانون اصلاح و تربیتی از سه ماه تا یکسال در مورد جرایم که مجازات قانونی آن سه سال حبس است. تصمیمات مذکور در دو مورد آخر صرفاً در خصوص اطفال و نوجوانان بیش از ۱۲ سال و تا ۱۵ سال قابل اجرا خواهد بود (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۸).

ماده ۳۳ لایحه مذکور نیز در خصوص نوجوانانی که سن آنان بیش از ۱۵ سال و تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است، مجازات‌های زیر را مقرر کرده است:

۱. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تا یکسال و یا پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا انجام دادن خدمات عمومی به مدت یک سال با رعایت ترتیبات مندرج در تبصره‌های این ماده، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تا سه سال حبس یا مجازات دیگری غیر از حبس باشد.
۲. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۶ ماه تا ۳ سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن بیش از ۳ سال حبس باشد.

۳. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۲ سال تا ۸ سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن حبس ابد یا اعدام باشد (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۸)

هرگاه با توجه به سن، روحیه و وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری و یا جزای نقدی موضوع بند (۱) این ماده، انجام دادن خدمات عمومی مانند آموزش حرفه و فن، کار در مراکز نگهداری معلولان و سالمندان، نظافت و آبیاری درختان و فضای سبز پارک‌ها مناسب باشد، دادگاه می‌تواند با رضایت متهم و متناسب با مدت و میزان مجازات مورد نظر، او را به انجام دادن آن خدمات تحت مراقبت مددکار اجتماعی محکوم نماید مشروط بر آنکه میزان آن برای افراد غیرشاغل بیش از ۸ ساعت کار روزانه و در مورد شاغلان بیش از ۴ ساعت نباشد (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۹).

از مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به مجازات‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی در مورد اطفال و نوجوانان می‌پردازد. اصولاً زندان باعث افسردگی روحی و جسمی محکومان می‌شود و حس انتقام‌جویی آنان را افزایش می‌دهد، حال آنکه کارهای عام‌المنفعه از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می‌شود و از سوی دیگر حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه، وجدان‌کاری و نظم اجتماعی را در مجرم افزایش می‌دهد و در نتیجه با سازگاری او در اجتماع آسان می‌شود. یکی دیگر از مجازات‌های جایگزین حبس عبارت است از اقامت در منزل یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته برای مدت معینی. طبق تبصره (۲) ماده ۸۹ دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد. (قانع‌ی رضایی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶).

کیفرهای پایان هفته‌ای، نوعی سلب آزادی از محکوم به طور محدود و در زمان مشخص است. در کیفرهای حبس پایان هفته‌ای، محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر در دو زمان روز پایان‌یافته تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود. در مورد شرایط بزه‌کارانی که تحت این نوع کیفر قرار می‌گیرند، دادگاه‌ها باید اخلاق و رفتار و شخصیت بزه‌کاران نوجوان را در نظر بگیرند و این سیستم را فقط در مورد کسانی اعمال می‌کنند که استعداد و آمادگی کافی برای پذیرش آن را داشته، ظرف یک یا چند روز محرومیت از آزادی به‌اندازه کافی تنبیه شده و از ارتكاب جرم خودداری نمایند؛ زیرا به خوبی معلوم است که مجرمین به عادت و کسانی که شخصیت و طرز تفکرشان، اجازه استفاده از چنین رژیم‌هایی را نمی‌دهد، نه تنها شخصاً از آن بهره‌ای نخواهند برد بلکه موجبات فساد سایر صغار نگهداری شده را نیز فراهم خواهند آورد. (قانع‌ی رضایی، ۱۳۹۲، ص. ۶۴).

سپردن به والدین یا سرپرست طفل و تربیت تحت نظر دادگاه

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

(الف) تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی یا اخذ تعهد تأدیب و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند (والدین یا سرپرست قانونی) تعهد انجام اموری از قبیل: موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید.

- ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان.
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی.
- ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.
- ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضرت‌آلود طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه.
- ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

۲-۸- اعزام به کانون اصلاح و تربیت

کانون اصلاح و تربیت در قانون سال ۱۳۳۸ تأسیس دادگاه اطفال پیش‌بینی و مقرر بود که در مقر هر دادگاه اطفال تأسیس گردد. عملاً حوادث این مراکز با تاخیر بسیار آغاز و برای اولین بار در سال ۱۳۴۷ با تجهیزات و امکانات محدود در محل فعلی آن در تهران تأسیس گردید. به هر کیفیت در طول سال‌های بعد از تأسیس اولین کانون تا به امروز، چندین مرکز اصلاح و تربیت دیگر به ویژه در مراکز استان‌های کشور ایجاد که به هیچ‌وجه تکافوی نیاز جمعیت کیفری جوان کشور را نمی‌کند. با نسخ عملی و قانونی دادگاه اطفال و جایگزینی آن با دادگاه‌های عمومی، خوشبختانه وجود این نهاد از تعرض مصون و بر عکس با تصویب ماده ۴۹ ق. م. ا و تبصره ماده ۲۲۴ ق. آ. د. د. ع. ا. ک ۱۳۷۸ و مواد بعدی این قانون، موجودیت این مرکز و ضرورت وجود آن قانونمند گردید (نجفی توانا، ۱۳۸۵، ۲۵۷-۲۵۵). کانون اصلاح و تربیت محلی است که در آن نسبت به نگهداری، آموزش حرفه‌ای، بازپروری، معالجه و جامعه‌پذیری اطفال بزه‌کار اضافه اقدام می‌گردد.^۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت این مرکز را محل نگهداری، تهذیب و تربیت اطفالی می‌داند که دادگاه اطفال اعزام می‌نماید. کانون مذکور در واقع یک مجموعه کاملی است که در صورت وجود امکانات، برای انجام مطالعات و تحقیقات جسمی، روحی، روانی، خانوادگی و اجتماعی در مورد اطفال بزه‌کار و حرفه‌آموزی، سواد آموزی، بازسازی شخصیت، نگهداری موقت و حتی محبوس نمودن آنان می‌تواند به کار گرفته شود. (نجفی توانا، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۶).

۱. مفاد آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت و ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم جامعه امروز بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌باشد. علل و عوامل مختلفی در بزهکاری اطفال و نوجوانان مؤثر است و تنها نمی‌توان به علت خاصی اشاره نمود بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده و زمینه بزهکاری را برای اطفال فراهم می‌آورند. در نظام حقوقی هر کشور سیاست کیفری و جنایی آنان در مورد اطفال و نوجوانان از مباحث مهم به شمار می‌رود زیرا اقتضاء دوره کودکی ایجاب می‌کند که سیاست جنایی مقابله با بزهکاری اطفال متمایز از بزرگسالان باشد و به تناسب سن و شرایط، با آنان برخورد شود. سیاست کیفری ایران در خصوص اطفال و نوجوانان در قانون مجازات جدید متفاوت از قانون سال ۱۳۷۰ بوده است. در قانون جدید همانند قانون سابق سن بلوغ معیار مسئولیت کیفری واقع شده است، با این تفاوت که در قانون جدید، سن بلوغ تعریف و تعیین شده است، و به صراحت گفته شده است که افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و اطفال و نوجوانان بزهکار به چهار گروه سنی تقسیم شده است و در مورد آنان اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر شده است. بنابراین رویکرد قانون جدید نسبت به اطفال و نوجوانان حمایتی است و می‌توان گفت که قانونگذار سیاست جنایی افتراقی را در خصوص این گروه از افراد در قانون مجازات جدید مورد پذیرش قرار داده است. قانون مجازات جدید در خصوص اعمال مجازات در جرایم حدود و قصاص نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار نیازمند بازنگری است و حذف قطعی مجازات در این جرایم از اطفال و نوجوانان از مواردی است که باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. در زمینه دادرسی اطفال و نوجوانان، زمینه تدوین یک دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران فراهم آید. در مقررات مربوط به دادرسی رهیافت‌های تربیتی-ترمیمی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. با وارد ساختن اندیشه‌های ترمیمی در مقررات این لایحه قضائی سعی شده است که از توسل بی‌رویه به مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود. زیرا هر چند که نگهداری یا حبس در کانون اصلاح و تربیت پاسخی تربیتی است، اما همین محیط بسته کانون زمینه را برای برخی آسیب‌های احتمالی به اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورد. حال آنکه در رویکرد ترمیمی پاسخ‌های آموزشی و تربیتی در بستر اجتماع به اجرا در می‌آیند. اتخاذ تدابیر ترمیمی در لایحه مورد بحث از نقاط قابل توجه و مهم آن است و باید رویکرد حمایتی نسبت به کودکان بزهکار مورد بازبینی قرار بگیرد.

در اسلام مجازات بر چند رکن اساسی یعنی بلوغ، عقل، علم و اختیار، استوار است. مذاهب خمس، تنبیه کودک را به طور کلی ممنوع نکرده است بلکه با توجه به شرایط خاص، ممنوعیت آن را برداشته است و تعزیر و تأدیب عموماً در رابطه با مجازات صغار در فقه مطرح شده است. تنبیه بدنی کودکان، نه به صورت مطلق، بلکه به عنوان عملی در راستای مصالح عالیّه آنان و برای باز داشتن کودکان از انجام کردارهای ناپسند و هدایتشان به سمت اعمال پسندیده جایز دانسته شده است.

منابع

- ابراهیمی ور کیانی، فاطمه، (۱۳۸۹)، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول.
- ابراهیمی، فاطمه، (۱۳۹۰)، بررسی حقوقی جرم‌شناختی کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم در پرتو قطعنامه ۲۰۰۵، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. کارشناسی ارشد.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
- ایبراهمسن، دیوید، (۱۳۵۷) روانشناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه ملی.
- آخوندی، م. (۱۳۸۶). آئین دادرسی کیفری. جلد ۲، چاپ ۹، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- آشوری، محمد (۱۳۸۰)، خلاصه سخنرانی‌های همایش حقوق کودک، چاپ اول، تهران.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۲، انتشارات گنج دانش.
- خواجه نوری، یاسمن، (۱۳۸۸) «جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان در تازه‌های علوم جنایی»، مجموعه مقاله‌ها.
- دربانی، طیبه (۱۳۹۲) سرقت در حقوق کیفری ایران و مذاهب اربعه، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، (۱۳۷۷)، چاپ دوم
- رهامی، محسن (۱۳۸۱)، اقدامات تأمینی و تربیتی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- الزحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامیه و ادلته، ج ۶، الطبعة الرابعة - ۱۹۹۷م دارالفکر بدمشق.
- زراعت، عباس (۱۳۸۰)، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فقنوس.
- سعیدنیا، محمدرضا (۱۳۵۸)، مجموعه قوانین و مقررات اطفال و نوجوانان، چاپ ۱، تهران، انتشارات حقوقی.
- سوادکوهی، سام، کاظمی، سیدعلی (۱۳۸۸)، مسئولیت کیفری تدریجی دختران، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۵.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۷)، بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر پازنگ.
- صیاد، سهیلا (۱۳۹۴) بزه دیدگی کودکان از منظر جرم‌شناسی و حقوق جزا، غیر دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- قانع رضایی مقدم، وحید، (۱۳۹۲)، نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید در مورد ضمانت اجرای کیفری جرایم اطفال و نوجوانان با نگاهی به مقررات بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مرتضوی، نسرين. (۱۳۷۶). جایگاه زنان بزه‌دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
- مهر، نسرين (۱۳۸۵)، قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزه‌کار: حال و آینده، الهیات و حقوق، سال ششم، شماره بیستم.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین. (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران. مجله تخصصی الهیات و حقوق. شماره ۲۰.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین. (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران. مجله تخصصی الهیات و حقوق. شماره ۲۰.

نجفی توانا، (۱۳۸۵)، نابهنجاری و بزهکاری کودکان از منظر جرم‌شناسی مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات آموزش و سنجش.

نوربها، رضا (۱۳۸۱)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، نشر دادآفرین.

هدیه هدایت؛ سیدحسین هاشمی؛ لزوم مراقبت‌های خانواده محور از کودک بزه‌دیده و استثنائات وارده به آن؛ تأملی بر نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بشر، (۱۳۹۶)، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۱۲۷-۱۶۳.

منابع لاتین

Gunter, Borrie. (۱۹۹۷). the effects of video games on children: the myth unmasked.

Skelton A. M. (۲۰۰۵). The influence of the theory and practice of restorative – Justice in South Africa with special reference of child Justice (doctoral thesis) Pretoria.South Africa.

A supportive approach for delinquent and victimized children from the perspective of Khamseh religions

Abstract

What is certain is that to this day, due to differences in infrastructure and roots, including in ideological, cultural and religious issues, as well as differences in the criteria for measuring values in various areas, an agreement and understanding. General and universal is not established. Moreover, all human beings, regardless of ethnicity, race, religion, creed or belief, agree that one of the most central individual and social practices is the proper upbringing and guidance of children for the future. An action that is considered a necessary and undeniable condition for the growth and development of human society. Crime prevention, especially for children, is called opportunity-oriented, targeted, and victim-oriented, because by intervening in pre-crime opportunities, supporting targets and potential victims prevents crime from occurring. Slowly Although Iran's criminal policy seems to be moving towards identifying protective measures against juvenile delinquents, there is still a long way to go before the criminal rights situation of children and adolescents is favorable. Accordingly, the present study examines the supportive approach of delinquent and victimized children from the perspective of Khamseh religions .

.Keywords: delinquent, victim, children, restorative justice, five religions